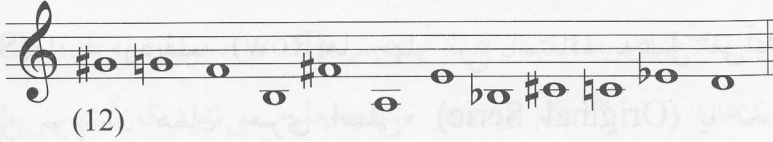


سومین نوع «ردیف صداهای سِری» (Tone Row Set) در جهت مخالفِ قائمِ سری اصلی است که آن را «معکوس» (Inversion) می‌نامند و سرواژه (Acronym) آن حرف I است: معکوس (Inversion) مثال ۱۰

I (Inversion) معکوس سِری اصلی

0 11 9 3 10 1 8 2 5 4 7 6

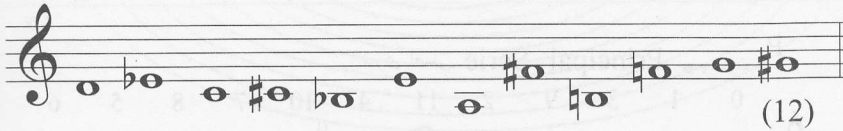


نوع چهارم «قهقرای معکوس» (Inversion of Retrograde) با سرواژه «I.R.» یا «معکوس قهقرای» (Retrograde of Inversion) با سرواژه «RI»

است: مثال ۱۱

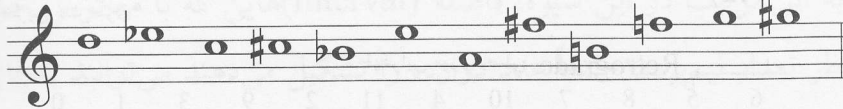
R.I قهقرای معکوس سِری اصلی

6 7 4 5 2 8 1 10 3 2 11 0



I.R معکوس قهقرای سِری اصلی

6 7 4 5 2 8 1 10 3 2 11 0



به طوری که ملاحظه می‌شود:

بین دو حالتِ اخیر از نظر مقدار نیم‌پرده‌ها و ترتیب و مبنای آنها تفاوتی وجود ندارد جز این که دوّمی یک اکتاو بالاتر است.

نت « (Clarinet) از ضرب دوم تقلید شده است. این روش یکی از
ت موسیقی «پلی فونیک» (Polyphonic) به شمار می رود. مثال ۳۹

Allegretto ♩ = 108

Flute

Clarinet in C

Fl.

Clar.

ارتباط

ارتباط

دیگر از روش‌ها، استفاده از «معکوس» (Inversion) «ردیف»
(و سپس «ردیف اصلی») (Principal) به صورت متناوب در یک

● = صدای پویا (مجدوب) ○ = صدای ایستا (جاذب)



مگر آنکه طبق «اصلِ دافعه» (Repulsive) عمداً جهتِ جذبِ آنها ر
عوض کنند. مثلاً در گام «دُی بزرگ» (C Major) که صدای «فا» (Fa)
«مجدوب» (Attracted) صدای «می» (Mi) است اگر آن را به صورت
«کُرَماتیک» (Chromatic) «دی‌یز» (Dièse) کنند، به جای صدای «می»
صدای «سُل» (Sol)، آن صدا را به خود جذب می‌کند، به این معنا که
صدای «فا» (Fa)، آن صدا (یعنی فا#) را از خود دفع کرده و در نتیجه به
صدای سُل (Sol) می‌پیوندد.

لازم به یادآوری است که در این نوع موسیقی، با این که صدای «فا»# در
روی «پیانو» (Piano) با صدای «سُل b» مترادف (Enharmonic) است
ولی «سُل b» در «مایه» (Tonality) های دیگر «نقش» (Function) دیگری
دارد. مثلاً اگر در گام «ر b بزرگ» (D Flat Major Scale) باشد به عنوان
صدای «پویا» (Dynamic) به صدای «فا» (Fa) می‌پیوندد، در صورتی که
با «نقش» (Function) «فا»#، به عنوان صدای «مجدوب» (Attracted) به
صدای «سُل» (Sol) جذب می‌شود.

به این ترتیب «فاصله» (Interval) دُ ← سُل# به عنوان «فاصلهٔ نامطبوع»
(Dissonant) «پنجم افزوده» (Augmented Fifth) با دُ ← لا b به عنوان
«فاصلهٔ مطبوع» (Consonant Interval) «ششم کوچک» (Minor Sixth)

طور که ملاحظه می‌شود ترتیب قرار گرفتن «ردیف» (سری) نت‌ها در
 ها رعایت شده است ولی مُقدم و مؤخر بودن آنها در سطح قائم آگردها
 تنبیار آهنگ‌ساز است مثلاً در میزان اول مثال ۳۱ نخستین نُت «ردیف»
 بر زمانی قبل از دومی و سومی (که در یک زمان شنیده می‌شوند) و
 می و پنجمی نیز در یک زمان آمده، ولی ششمی که زمان اجرایش
 تأخیر باید بعد از آنها باشد در جای صحیح خودش قرار دارد. مثال ۳۲

The musical score shows three measures of music. The first measure (measure 10) has a treble clef and a bass clef. The treble clef part starts with a quarter rest, followed by a quarter note G4, and then a quarter note F4. The bass clef part starts with a quarter note G2, followed by a quarter note F2, and then a quarter note E2. The second measure (measure 11) has a treble clef and a bass clef. The treble clef part has a quarter note G4, followed by a quarter note F4, and then a quarter note E4. The bass clef part has a quarter note G2, followed by a quarter note F2, and then a quarter note E2. The third measure (measure 12) has a treble clef and a bass clef. The treble clef part has a quarter note G4, followed by a quarter note F4, and then a quarter note E4. The bass clef part has a quarter note G2, followed by a quarter note F2, and then a quarter note E2. Roman numerals are placed above and below notes to indicate fingerings or articulation.

این نمونه، تمامی آگردها از ترتیب صداهای «ردیف» (Row) یا
 «Série» به وجود آمده‌اند ولی اگر بخواهیم «مِلْدی» (Melody) نیز
 با آگردها باشد چه کنیم؟ راه‌حل این است:

س از هر تصمیم، اصوات ردیف را به دو دسته بزرگ شش‌تایی A و B
 س به سه قسمت چهارتایی و چهار قسمت سه‌تایی تقسیم می‌کنیم که
 سمت‌ها با «اعداد رومی» (Roman numerals) مشخص شده‌اند:

Shiraz-Beethoven.ir

د رومی « (Roman numerals) به صورت: I (یک)، II (دو)، III (سه)، IV (چهار)، V (پنج)، VI (شش)،
 VIII (هشت)، IX (نه) و X (ده) نوشته می‌شوند.